



چهارشنبه ۲۳ اسفند ۱۴۰۲ | ۶ صفحه | ۱۰ هزار تومان | دوره سوم | سال دوم | شماره ۴۶۹  
www.hammihaonline.ir



### دوقطبی سازی و گروه‌های فشار

یادداشتی از احمد زیدآبادی  
درباره حملات به دستیار اجتماعی رئیس جمهور



### گزارش بین الملل ۸-۹

### چین، روسیه و ایران سه تهدید نخست آمریکا

گزارش جامعه اطلاعاتی آمریکا برای سال ۲۰۲۴



### در انتظار آزادی زندانیان

گفت‌وگو با عمادالدین باقی  
درباره اظهارات دیروز سخنگوی قوه قضاییه

مجموعه سه جلدی  
سالنامه هم‌میهن  
منتشر شد

در روزنامه فروشی‌ها و کتاب‌فروشی‌های سراسر کشور

خرید اینترنتی:  
@hammihangroup  
۰۹۳۳ ۶۵۵ ۴۵ ۲۹

## سال ۱۴۰۲ در حالی به پایان می‌رسد که تراز حساب خالص سرمایه به بالاترین رقم منفی پنج سال گذشته رسید

# رکورد خراج سرمایه



فرزانه طهرانی  
دبیر گروه اقتصاد



فرشاد مومنی  
استاد دانشگاه علامه

هرچه میزان خروج سرمایه از کشور بیشتر باشد، رشد اقتصاد و اشتغال با چالش بیشتری مواجه می‌شود. از سوی دیگر خروج سرمایه یک عامل برای افزایش نرخ ارز است. با از دست دادن بیشتر منابع ارزی، فشار بر پول ملی بیشتر شده، نرخ ارز افزایش می‌یابد و تورم بالاتری ایجاد می‌شود. بنابراین یکی از دلایل رشد این روزهای نرخ ارز را باید در حساب سرمایه و ترازهای پرداخت جست‌وجو کرد.

خیلی از چیزهایی که در ظاهر برای ما ارزآوری یا ورود سرمایه خارجی در نظر گرفته می‌شود اگر کمی دقیق‌تر بررسی شود، خواهیم دید که این‌ها صورت‌های پنهان صدور ارز است. بخش بزرگی از تفریغاتی که طی سه دهه گذشته انجام شده، نشان می‌دهد بخش اعظمی از آنچه به‌عنوان صادرات غیرنفتی در نظر گرفته می‌شود، در واقع صدور مجدد ارز نفت به بانک خارجی است.



سرمایه

## فرا تر از هر تخلفی

اگر یک هواپیما سقوط کند یا یک ساختمان آتش بگیرد یا چند میلیارد دلار اختلاس شود، سروصدای همه در می‌آید که چه عاملی سبب این خسارت شده است؟ سروصدایی که بحق هم هست، ولی هنگامی که یک گزارش رسمی را می‌بینیم که در آن نوشته است، خالص حساب سرمایه کشور در سال ۱۴۰۱، بیش از منفی ۱۵ میلیارد دلار بود و در ۶ ماه اول سال ۱۴۰۲ نیز مجدداً بیش از منفی ۱۵ میلیارد دلار شده، هیچ واکنشی نشان نمی‌دهیم. چرا؟ این رقم برای سال ۱۴۰۱ بیش از ۴ برابر فساد چای دیش است و در سال جاری نیز فقط برای ۶ ماه اول سال حدود ۳/۴ برابر آن فساد است و تا پایان سال احتمالاً این رقم به ۳۰ میلیارد دلار برسد که قطعاً یک رکورد بسیار منفی در تاریخ اقتصادی ما است. معنای این عدد چیست؟ این یعنی مردم سرمایه و پول خود را تبدیل به ارز نموده و از کشور خارج کرده‌اند. گرچه نمی‌توان گفت که تمامی این پول از طریق فرار سرمایه بوده بلکه بخشی نیز ناشی از عدم حصول درآمدهای صادراتی است ولی هنگامی که برای چند سال تداوم یابد، همان فرار سرمایه است. حالا متوجه می‌شوید که چرا تورم بالاست؟ چرا قیمت ارز به‌شدت رو به افزایش است؟ چرا به‌رغم وجود رشد اقتصادی حدود ۵ درصد دستمزد کارگران و حقوق کارمندان به قیمت ثابت در حال کاهش است؟ این پول‌ها از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؟ طبیعی است اغلب آنها درآمدهای رانتی یا ترس از ناامنی اقتصادی است که به شیوه‌های گوناگون خارج می‌شود. بخش مهمی از آن از طریق تفاوت قیمت ارز رسمی و بازار خارج می‌شود. بخشی را از داخل می‌خرند و به خارج می‌فرستند. این یعنی فرار سرمایه از کشور؛ کشوری که به‌شدت نیازمند سرمایه است، حتی قادر به حفظ سرمایه‌های خود نیز نیست. هنگامی که تقاضا برای ارز بالا رفت، گران می‌شود و از این طریق تورم ایجاد می‌شود و این تورم به زیان مردم است. بانک مرکزی برای جلوگیری از فرار سرمایه و ممانعت از افزایش قیمت ارز سود بانکی را در ۱۳ به ۳۰ درصد رساند. غافل از اینکه چنین افزایشی اثرات کوتاه‌مدت دارد و کافی بود دو هفته بگذرد و ارز دوباره سیر صعودی خود را آغاز کند. این سرمایه‌های خارج شده، همان تولیدی است که افزایش یافته ولی به‌جای ماندن در داخل کشور و تبدیل شدن به سرمایه‌گذاری مولد، از کشور فرار می‌کند و دولت هم فشارش را به مردم می‌آورد تا دستمزد کمتری به آنان پرداخت شود. پرسش این است که اگر خراب شدن یک پل، یا آتش گرفتن یک ساختمان یا فساد چای دیش را دادستانی پیگیری می‌کند، چگونه نسبت به چرایی و علل فرار سرمایه و منفی شدن سرمایه سکوت می‌شود؟ این که خسارت بیشتری به کشور وارد می‌کند. مهمتر این است که روند فرار سرمایه افزایشی بوده است و در سال ۱۴۰۲، نسبت به ۱۴۰۱، به احتمال فراوان دو برابر بیشتر می‌شود. ۳۰ میلیارد دلار فرار سرمایه، فقط چیزی می‌شنوید. این رقم بسیار بالا و وحشتناک است. گزارش امروز هم‌میهن درباره فرار سرمایه به خوبی نشان می‌دهد که فرار سرمایه نسبت به سال ۱۳۹۸ بیش از ۴۵ برابر شده است و این ویژگی مهم دولت جدید است که توجه چندانی به آن نمی‌شود.

# معمای کاشانی

## بازخوانی کارنامه سیاسی آیت‌الله در پیوست و گسست در شصت و دومین سالروز درگذشت او

هر چند بر ماه پایانی سال، نام دکتر محمد مصدق به‌عنوان رهبر نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران و یکی از ماندگارترین رجال تاریخ معاصر حک شده (دو روز ۱۴ و ۲۹ اسفند) اما در سالروز ۲۳ اسفند ۱۳۴۰ خورشیدی، جا دارد درباره آیت‌الله سیدابوالقاسم کاشانی هم نوشته شود. هم او که در آغاز یار و هم‌خوار مصدق بود و به مرور چنان نقاری میان آن دو افتاد که از کاشانی به‌عنوان یکی از همکاران و همراهان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ هم یاد شده؛ اگرچه اثبات نقش مستقیم او مستلزم آرایه اسنادی است که این نوشتار در پی اثبات و نفی آن نیست. چند سال قبل البته بی‌بی‌سی فارسی دو برهه دست‌نویس منتشر و ادعا کرد نام برخی روحانیون مانند آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله بهبهانی در یکی از صورت‌حساب‌های کودتا دیده می‌شود. گفته شد این صورت‌حساب دست‌نویس را از میان اسناد اهدایی سرلشکر زاهدی، مجری کودتا و نخست‌وزیر بعدی به مؤسسه هور دانشگاه استنفورد آمریکا یافته‌اند که در آن نشان می‌دهد سیدابوالقاسم کاشانی هم مانند محمد بهبهانی و محمدتقی فلسفی پول گرفته‌اند. هر چند این سند قابلیت آن را داشت که بر یک عمر زندگی سیاسی آیت‌الله که بخش قابل توجهی از آن در تقابل با انگلیسی‌ها با دو نماد: در زندان آنان و همراهی با مصدق بوده سایه اندازد اما تنها یک لیست دست‌نویس بدون آرم و رسید و تاریخ بود و اردشیر زاهدی فرزند سرلشکر زاهدی هم به طعنه گفت: این اسناد مجموعه اهدایی پدرش نیست و آدم برای کارهای این جور که صورت‌حساب صادر نمی‌کند! هر چه از سال‌های اولیه بعد از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ فاصله گرفتیم در رسانه‌های رسمی و کتاب‌های

درسی تلاش بیشتری صورت گرفت تا در شرح و تبیین جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت نقش بیشتر به آقای کاشانی اختصاص داده شود و تصویری که از مصدق ترسیم شده، این بوده که آغاز جداسری از دکتر مصدق بوده و در نهایت چوب گسستن از روحانیت و اعتماد به آمریکا را هم خورد و سرنگون شد اما در افکار عمومی مقبول نیفتاده و نتوانسته ذهن نسل‌ها را شکل دهد. نکته مهم اما این است که تنها دو سال بعد از سقوط مصدق، نیروهای مورد اعتماد کاشانی (فدائیان اسلام) به اتهام تلاش برای ترور حسین علاء اعدام شدند و ریزنی‌های کاشانی برای نجات آنان نمر نداد و در سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۰ دیگر نه از رابطه با شخص شاه و دربار خبری بود و نه می‌توانست از سیاست به مر جعبت و قم بکود و در این جایگاه قد علم کند زیرا اگر چه مجتهد بود ولی اشتهار اصلی او به‌عنوان یک سیاستمدار بود تا مرجع؛ آن هم در روزگاری که آیت‌الله بروجردی نفوذ و اعتبار تام داشت. کاشانی در پایان همان سالی درگذشت که در آغاز آن آیت‌الله بروجردی درگذشته بود و ۸ سال بعد از کودتا و در انزوای بیماری هیچ‌کس از او به‌عنوان یکی از گزینه‌های جانشینی آقای بروجردی یاد نکرد زیرا با همان مرتبه فقهی سال‌های قبل شناخته می‌شد و نام او بیشتر یادآور اختلاف با مصدق و نقش خواسته یا ناخواسته در شکست نهضت ملی شدن صنعت نفت است که در نگاه خوش‌بینانه از بیم روی کار آمدن کمونیست‌ها و از بین رفتن تنها سلطنت به نام تشیع امامیه ارزیابی می‌شود و با بدبینی در راستای منافع انگلستان که در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ آسیب جدی دیده و دیگر کشورهای منطقه هم از آن الهام گرفته بودند. ❏

مهررداد خدیر

روایت هم‌میهن

تکثیر و پخش ممنوع